

Restorative Process of Social Phenomena in The Engineering of Modern Islamic Civilization (Case Study; the Phenomenon of Women's Employment)

Hamidreza Haji Babaei *
Zahra Rezazadeh Asqari **
Faezeh Azimzadeh Ardabili ***
Mahtab Eidi****

Received: 2020/07/15

Accepted: 2020/09/15

Abstract

The new Islamic civilization is an ideal state in which all the civilizing capacities of the Islamic religion are reached. Social phenomena are among the capacities of civilization that can play a role in the favorable or opposite direction for the implementation of the new Islamic civilization. Therefore, it is necessary to use all their capacities in the favorable with the realization of the new Islamic civilization. The purpose of this study is to present a disciplined method in dealing with managing social phenomena, to maximize the state of these phenomena in order to achieve a new Islamic civilization. Therefore, here we has introduced the restorative engineering of social phenomena. For instance, its process in dealing with the phenomenon of women's employment and designing the Islamic lifestyle pattern of the actors of this phenomenon at each stage. The proposed method is based on four steps of feasibility study of restorative engineering, realistic drawing of the existing model of the phenomenon, restoration of the existing model and validation of the restored model.

Keywords: Civilization Engineering, New Islamic Civilization, Restorative Process, Social Phenomena, Women Employment

*Associate Professor, Faculty of Education and Islamic Thought, University of Tehran, I.R.Iran.
(Corresponding Author).

hajibabaei@ut.ac.ir

 0000-0003-4430-5853

** Assistant Professor, Faculty of Education and Islamic Thought, University of Tehran, I.R.Iran.

zasgari@ut.ac.ir

 0000-0001-8043-5677

*** Associate Professor of Imam Sadegh (AS) University, Tehran, I.R.Iran

faezehazimzadeh@yahoo.com

 0000-0003-0625-6093

****PhD Student in Islamic Education, the Qur'an and Islamic Texts, Faculty of Education and Islamic Thought, University of Tehran, I.R.Iran.

m.eidy@ut.ac.ir

 0000-0003-0872-0830

فرایند ترمیمی پدیده‌های اجتماعی در مهندسی تمدن نوین اسلامی (ارائه یک نمونه)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶

حمیدرضا حاجی بابایی *

زهره رضازاده عسگری **

فایزه عظیم زاده اردبیلی ***

مهتاب عیدی ****

چکیده

تمدن نوین اسلامی وضعیتی آرمانی است که در آن همه ظرفیت‌های تمدنی دین اسلام به فعلیت می‌رسند. پدیده‌های اجتماعی از جمله ظرفیت‌های تمدنی هستند که می‌توانند در جهتی همسو و یا مخالف جهت تحقق تمدن نوین اسلامی نقش‌آفرین باشند، از این رو لازم است که از تمام ظرفیت‌های آن‌ها در جهت همسو با تحقق تمدن نوین اسلامی بهره برد. هدف از این پژوهش ارائه روشی ضابطه‌مند در برخورد با پدیده‌های اجتماعی موجود، به منظور همسوسازی حداکثری این پدیده‌ها در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی است. از این رو، به معرفی مهندسی ترمیمی پدیده‌های اجتماعی پرداخته، از باب نمونه، فرایند آن را در برخورد با پدیده اشتغال زنان و طراحی الگوی سبک زندگی اسلامی کنشگران این پدیده در هر مرحله اجرا نموده است. روش پیشنهادی بر چهار گام امکان‌سنجی مهندسی ترمیمی پدیده، ترسیم واقع‌گرایانه مدل موجود پدیده، ترمیم مدل موجود و اعتبارسنجی مدل مرمت شده استوار است.

واژگان کلیدی: مهندسی تمدن، تمدن نوین اسلامی، فرایند ترمیمی، پدیده‌های اجتماعی، اشتغال زنان.

* دانشیار، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

hajibabaei@ut.ac.ir

 0000-0003-4430-5853

** استادیار، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

zasgari@ut.ac.ir

 0000-0001-8043-5677

*** دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

Azimzadeh@isu.ac.ir

 0000-0003-0625-6093

**** دانشجوی دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی، گرایش قرآن و متون اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه

اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

m.eidy@ut.ac.ir

 0000-0003-0872-0830

مقدمه

تمدن مجموعه‌ای است از پدیده‌های اجتماعی که قابل انتقالند و جنبه‌های مذهبی، اخلاقی، زیباشناسی، فنی، علمی مشترک در یک جامعه یا چند جامعه مرتبط با یکدیگر را به خود می‌گیرند (ساروخانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۹۹). از آنجا که تمدن نوین اسلامی چیزی جز فعلیت یافتن همه امکان‌های نهفته در مفاهیم نصوص اساسی اسلام (قرآن و روایات) به همراه الزامات عقلی آنها نیست، برای شکل‌گیری تمدن اسلامی لازم است نوعی استنطاق حداکثری از ظرفیت‌های تمدنی دین اسلام صورت پذیرد (ره‌دار، ۱۳۹۴، ص ۱۰). پدیده‌های اجتماعی از جمله ظرفیت‌های تمدنی هستند که می‌توانند در جهتی همسو و یا مخالف جهت تحقق تمدن نوین اسلامی نقش‌آفرین باشند. برخی از این پدیده‌ها، اگرچه منبعث از مبانی دین اسلام هستند اما در رویارویی با تمدن‌های دیگر، به مرور تغییر یافته‌اند و برخی شاکله خود را در طول زمان حفظ نموده‌اند. برخی دیگر از این پدیده‌ها متأثر از سبک زندگی و تمدن روز غرب و ابزارها و اقتضائات پارادایمی آن در جامعه اسلامی پدیدار گشته‌اند، پدیده‌هایی مثل سلبریتی‌ها، ازدواج سفید، استایلیست‌ها، شرکت‌های هرمی و... که هیچ‌گونه سابقه‌ای در تمدن اسلامی نداشته‌اند. از آنجا که تحقق تمدن نوین اسلامی نیازمند مهندسی تمدنی و حرکت به سوی هدف از پیش تعیین شده است، نمی‌توان مطابق دیدگاه برخی جامعه‌شناسان در برخورد با پدیده‌ها آن‌ها را به منزله‌ی شیء در نظر گرفته، صرفاً به تعلیل و توصیف آن‌ها پرداخت (ریترز، ۱۳۷۴، ص ۷۰). چرا که تعلیل پدیده ناظر به گذشته و توصیف، ناظر به حال است، حال آنکه نگاه مهندسی تمدن معطوف به آینده است. سؤال اینجاست که در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی برخورد مناسب با این پدیده‌ها چگونه باید باشد؟ آیا می‌توان به صرف اینکه این پدیده‌ها از درون تمدن اسلامی پدیدار گشته‌اند آن‌ها را بی‌نیاز از تغییر دانست و یا اگر زاییده و متأثر از فرهنگ و تمدن التقاطی غرب هستند یا تحت تأثیر آن تغییر و تبدل یافته‌اند، با منطقی صفر و صدی آن‌ها را طرد نمود؟ پاسخ را می‌توان از شیوه‌ی مواجهه‌ی تمدن اولیه اسلامی با فرهنگ و تمدن‌های معاصر و پیشین خود به دست آورد، با دقت در این شیوه در می‌یابیم که این

مواجهه به چهار روش گزینش فرهنگی، تأیید و تثبیت فرهنگ ماخوذ، طرد کلی فرهنگ ماخوذ و جایگزینی صورت پذیرفته است (فاضلی، ۱۳۸۴، ص ۲)، تقسیم احکام شرعی به تأسیسی و امضایی در فقه (حکیم، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۴۰) نیز مؤید برخورد گزینشی تمدن اولیه اسلامی با ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی تمدن‌های معاصر و پیشین است.

اساساً ارائه یک تئوری تمدنی کارآمد، جهت مهندسی تمدن نوین اسلامی، مستلزم تحلیل درست و دقیق و روشمند به دور از ساده‌سازی موضوعات و پدیده‌های پیچیده و جدید اجتماعی و تمدنی است؛ در صورتی که یک تئوری‌پرداز در مطالعه پدیده‌های جدید و پیچیده اجتماعی و تمدنی، ابزار و روش کارآمد و متناسب با اقتضائات آن را به کار نگیرد و موضوعات و پدیده‌های اجتماعی و تمدنی را چنان‌که در وقت متن واقع هستند فهم و ترجمه نکند طبعاً ارائه هرگونه راهکار و طرحی برای موضع‌گیری و مواجهه معقول به جای حل مسئله به تغییر صورت مسئله منتهی خواهد شد. (صادقی و خاکی قراملکی، ۱۳۹۸، ص ۳) از این رو لازم است در برخورد با این پدیده‌ها به صورت ضابطه‌مند وارد عمل شد. مقاله حاضر درصدد است ضمن ارائه‌ی روشی ضابطه‌مند، در برخورد با پدیده‌های فعلیت‌یافته در جامعه اسلامی به معرفی رویکرد ترمیمی به این پدیده‌ها، در مهندسی تمدن نوین اسلامی بپردازد. از آنجا که نگارنده پیش از این روش پیشنهادی را در مواجهه با پدیده فعلیت‌یافته «اشتغال زنان» به کار گرفته و بر همین اساس الگوی مرمت شده «سبک زندگی اسلامی زن شاغل» را در رساله دکتری خود ارائه کرده است، در این مقاله سیر مواجهه با این پدیده و فرایند مهندسی ترمیمی الگوی مذکور را از باب نمونه و اجمالاً تشریح نموده، لازم به ذکر است این پژوهش ناظر به روش‌شناسی فرایند مهندسی ترمیمی در برخورد با پدیده نمونه است و لاجرم بخش عمده‌ای از جزئیات فرصت طرح پیدا نمی‌کند، همچنین ناظر به الگوی سبک زندگی کنشگران پدیده نمونه است از این رو ناظر به مهندسی ترمیمی ساختار پدیده نمی‌پردازد.

۱. پیشینه پژوهش

از آنجا که مفهوم تمدن نوین اسلامی مفهومی نوپدید است، پژوهش‌های مطالعات این حوزه

نیز سابقه و پیشینه طولانی ندارند و در میان معدود پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون مهندسی تمدن نوین اسلامی، فرایند ترمیمی در مواجهه با پدیده‌ها مطمح نظر محققان قرار نگرفته است. از این رو این پژوهش در نوع خود بدیع بوده پیشینه قابل ذکری ندارد.

۲. چارچوب مفهومی پژوهش

۲-۱. مهندسی تمدن

مهندسی تمدن ترکیب اضافی دو کلمه مهندسی و تمدن است، مهندسی از زیر شاخه‌های علم ریاضی محسوب می‌شود و در آن پیرامون مقادارها و اندازه‌ها و روابط هندسی اجزا بحث می‌شود، بنابراین مهندسی واژه‌ای است که متضمن تعیین اندازه و چارچوب است (بابایی، ۱۳۸۷، ص ۵۱) و عبارت است از شناخت و جانمایی عناصر یک سیستم و طراحی و تنظیم روابط و تعامل میان این عناصر، به گونه‌ای که در جهت تکامل و پویایی مجموعه، زمینه کارکرد یا رفتار مطلوبی را در سیستم فراهم نماید (جمالی، ۱۳۹۱، ص ۴). در پدیده‌های انسانی و اجتماعی نیز بایستی بتوان در قالب یک طرح و نقشه جامع بر اساس اصول و اهداف مفروض و با ایجاد نسبت منطقی میان عوامل و عناصر، مجموعه‌ها را مورد هدایت و ساماندهی قرار داد (خاکی قراملکی، ۱۳۸۷، ص ۴). تحقق تمدن اسلامی در گرو داشتن الگوهای کاربردی دینی در ابعاد مختلف حیات اجتماعی و شناخت کلان و همه جانبه از مشکلات و معضلات فراوری جامعه از سوی دیگر است. که در گفتمان تمدن‌گرایی، از آن با عنوان مهندسی تمدن تعبیر می‌شود (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۰). مهندسی تمدن ناظر به طراحی الگوها و ساختارهای تمدنی است. به طور کلی، تمدن سازی یک فرایند تدریجی و تاریخی است که با استوار ساختن ارزش‌های یک مکتب در بن مایه‌های فرهنگ یک جامعه آغاز می‌شود و تا شکل‌گیری نهادهای اجتماعی مناسبات اقتصادی و سیاسی و سرانجام تولید محصولات علمی، هنری و تکنولوژیک بر پایه مدل‌های مطلوب استمرار می‌یابد. از این رو، بدون داشتن الگوهای کاربردی و برخاسته از نظام معارف دینی متناسب با عصر حاضر، به دشواری می‌توان فرایند نوسازی جامعه را به سمت آرمان‌های اسلامی هدایت کرد (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۰).

۲-۲. فرایند ترمیم پدیده‌ها

«ترمیم» واژه‌ای عربی از ریشه «رم» به معنی اصلاح کردن شیء است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۳۷۸)، مرمت در لغت‌نامه دهخدا عبارت است از اصلاح کردن شیء خلل یافته یا بهبود بخشیدن آن، (دهخدا، ۱۳۷۷) مرمت کردن یکی از شاخه‌های مهندسی معماری است و زمانی مهندس اقدام به ترمیم بنایی می‌کند که اصل بنا ارزشمند و قابل استفاده و اصلاح است. منظور از فرایند ترمیم پدیده‌ها در مهندسی تمدن نوین اسلامی نیز چیزی شبیه همین معنای مصطلح است، بر این اساس، مهندس تمدن در برخورد با پدیده‌هایی که در تمدن نوین قابل استفاده بوده وجودشان در بنای کلی آن مفید یا لازم و از ظرفیت‌های تمدن نوین اسلامی محسوب می‌شود و می‌توان مدلی متناسب با تمدن نوین اسلامی از آن طراحی نمود را به دقت مورد بررسی قرار داده و ضمن شناسایی خلل و فرج‌ها و نقاط ناهماهنگ با وضعیت آرمانی، اقدام به ترمیم و اصلاح و بهبود پدیده می‌نماید. فرایند ترمیم، هم ناظر به بعد طراحی است و هم ناظر به بعد اجرا. همچنین برخی ابعاد از الگوی مهندسی شده از قبیل الگوهای رفتاری درونی و بیرونی ناظر به کنشگران و برخی ابعاد آن از قبیل ساختارسازی ناظر به سیاست‌گذاران در سطح کلان است، از این رو رویکرد ترمیمی هم ناظر به طراحی الگوهای رفتاری کنشگران پدیده مهندسی شده است و هم ناظر به بعد ساختاری که از این بعد مرتبط با سطح کلان و حکومت و سیاست‌گذاری است.



نمودار ۱. ابعاد مهندسی ترمیمی

۳-۲. پدیده اجتماعی

منظور از پدیده اجتماعی (phenomenon)، هر واقعیت مسلم اجتماعی است که عینی و تردیدناپذیر باشد. (بیرو، ۱۳۷۵، ص ۲۶۶). از نظر دورکیم (Durkheim) بنیانگذار جامعه‌شناسی، پدیده‌های اجتماعی امور ذهنی و غیرقابل دسترس نیستند، بلکه عینی و قابل مشاهده و قابل تجربه و بررسی کردن می‌باشند. به همین دلیل او از لفظ واقعیت در مورد پدیده‌های اجتماعی استفاده می‌نماید و واقعیت‌های اجتماعی همان چیزهایی هستند که می‌توان آن‌ها را به تجربه در آورد (تنهایی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۸).

۳. تبیین مراحل فرایند ترمیمی پدیده‌ها در مهندسی تمدن

به منظور تبیین روش‌شناسی مدل ارائه‌شده در این پژوهش به تشریح مرحله به مرحله برخورد با پدیده در مهندسی تمدنی و فرایند رویکرد ترمیمی می‌پردازیم، در هر مرحله با اتکا به مبنای تئوریک، چگونگی کاربست مراحل را در مواجهه با پدیده «اشتغال زنان» به کار می‌بریم. لازم به ذکر است پژوهش نمونه چون به طراحی الگوی سبک زندگی زن شاغل مسلمان می‌پردازد ناظر به بعد طراحی الگوی پدیده بوده نه تحقق عملی آن و نیز در طراحی الگو، الگوهای رفتاری کنشگران را مد نظر قرار داده است و وارد بخش طراحی الگوی ساختارها نمی‌شود.

۳-۱. گام نخست، امکان‌سنجی مهندسی ترمیمی پدیده

در مواجهه با پدیده‌های اجتماعی، پیش از هرچیز لازم است امکان مهندسی ترمیمی پدیده به منظور بهره‌گیری در تمدن نوین اسلامی بررسی شود. به این منظور در وهله اول باید حدود و مختصات پدیده را در تعریفی جامع و مانع مشخص نمود تا حوزه شمول مصادیق عینی پدیده تحدید گردد و از ورود مصادیق غیر مشمول و خروج مصادیق مشمول از بررسی ممانعت به عمل آید.

در مرحله بعد لازم است پدیده مذکور را از جهت دارا بودن ظرفیت تأثیر در تمدن نوین اسلامی بررسی نماییم، این مرحله پاسخ به این پرسش است که آیا پدیده منظور، ظرفیتی برای شکوفایی تمدن اسلامی در وضعیت آرمانی به شمار می‌آید؟ هر پدیده

می‌تواند در دست‌یابی تمدن به قله تعریف شده خود واجد یا فاقد اثر باشد و پدیده مؤثر ممکن است دارای اثر همسو و یا مخالف جهت تمدن نوین بوده از این رو نافع یا مضر به شمار آید. پدیده‌های غیر مؤثر و مضر در همین مرحله متوقف شده و وارد رویکرد ترمیمی نمی‌شود، هرچند لازم است پدیده‌های مضر را به جهت اثر منفی در فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی با مهندسی معکوس حذف و خنثی‌سازی نمود.

در گام بعدی پدیده‌هایی که واجد ظرفیت و نافع شناخته می‌شوند، از منظر ساختار، در فرایند نسبت‌سنجی با تمدن اسلامی ارزیابی می‌گردند. منظور از نسبت سنجی، بررسی رابطه تمدن اسلامی و پدیده از منظر نسب اربعه منطقی است. از میان نسب اربعه رابطه تساوی پدیده و تمدن اسلامی منتفی است زیرا هیچ پدیده اجتماعی به وسعت تمدن اسلامی و از همه ابعاد با آن منطبق نیست. این نسبت می‌تواند به سه شکل تباین، عموم و خصوص من وجه و خصوص مطلق برقرار باشد.

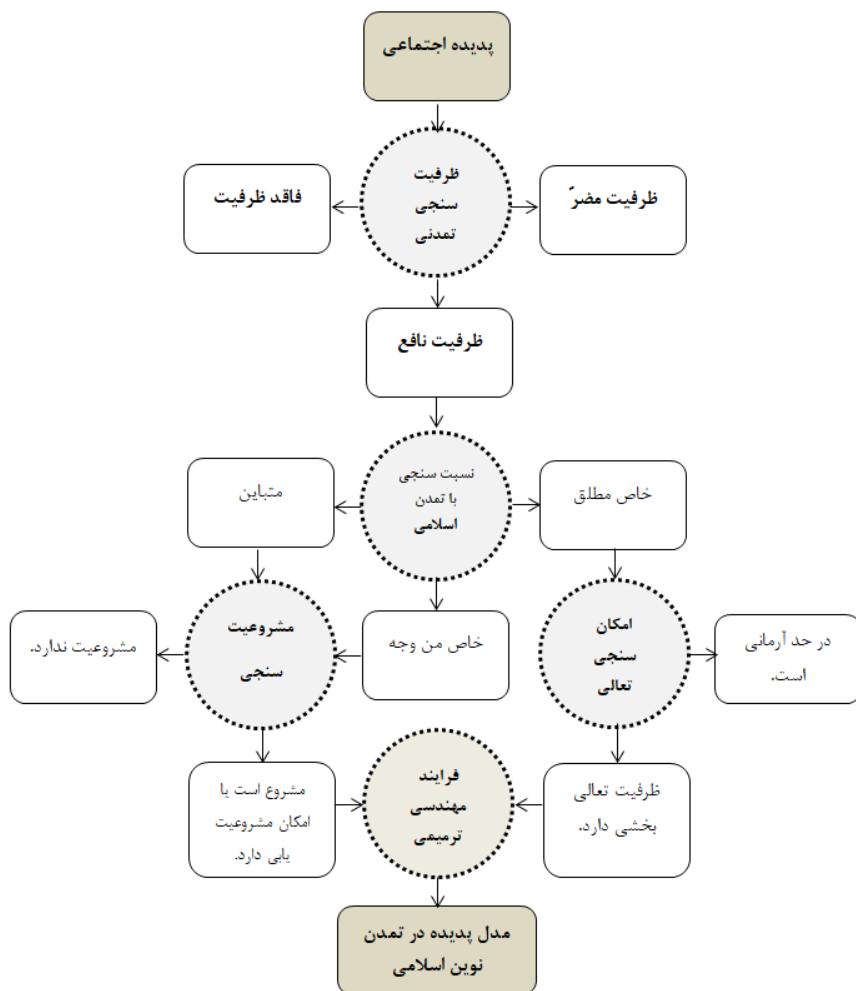
اگر نسبت پدیده با تمدن اسلامی اخص مطلق است لازم است با مقایسه مدل موجود پدیده چه در سطح کنشگران (سبک زندگی) و چه در سطح ساختارها با الگوی آرمانی آن در تمدن نوین اسلامی، این بار امکان ارتقاء و تعالی بخشی آن را مورد بررسی قرار داد. چنانچه مدل موجود منطبق با الگوی آرمانی است نیازمند ترمیم و بازطراحی نیست و چنانچه منطبق نیست امکان تعالی بخشی دارد و وارد فرایند مهندسی ترمیمی می‌شود.

اگر نسبت پدیده با تمدن اسلامی تباین است یعنی ساختار آن، تحت هیچ یک از ساختارهای تعریف شده دینی در تمدن اسلامی نیست (به عنوان مثال ساختار پدیده شرکت‌های هرمی که تحت هیچ تعریفی از عنوان عام تجارت در فقه اسلامی قرار نمی‌گیرد) و یا خصوص من وجه است یعنی برخی مختصات ساختار آن مسبوق به سابقه و واجد تعریف اسلامی بوده و برخی دیگر فاقد آن است، در ابتدا وارد فرایند مشروعیت‌سنجی می‌گردد. چنانچه طی این فرایند مشروع شناخته شد قابلیت ورود به فرایند مهندسی ترمیمی را داراست. چنانچه مشروع شناخته نشد اما با ایجاد تغییراتی در ساختار امکان مشروعیت بخشی یافت نیز قابلیت ورود به رویکرد ترمیمی را دارد و

چنانچه غیر مشروع و فاقد امکان مشروعیت یابی شناخته شد وارد فرایند مهندسی ترمیم نمی‌شود. نمودار ۲، سیر پردازش مراحل امکان‌سنجی مهندسی ترمیمی پدیده و نمودار ۳، الگوریتم ورود پدیده به رویکرد مهندسی ترمیمی را نشان می‌دهد.



نمودار ۲. سیر پردازش مراحل امکان‌سنجی مهندسی ترمیمی پدیده



نمودار ۳. الگوریتم ورود پدیده به رویکرد مهندسی ترمیمی

در زیر مراحل مذکور در گام اول، در قالب پژوهش نمونه تبیین گردیده است:

۱-۱-۳. تعیین مختصات نظری پدیده

تعاریف گوناگونی از اشتغال ارائه شده است، که به جهت رعایت اختصار از آن‌ها عبور می‌کنیم. گیدنز، اشتغال را به معنای انجام دادن وظایفی می‌داند که متضمن صرف کوشش‌های فکری و جسمی با هدف تولید کالا یا خدمات بوده و با دریافت دستمزد همراه

است (گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۵۱۷). اما این تعریف بیانگر همه ویژگی‌های اشتغال زنان به تعریف امروزی نیست. منظور از اشتغال زنان در این پژوهش، هر نوع کاری است که دست کم دارای سه ویژگی اصلی اشتغال در تعریف امروزی آن باشد که شامل ۱- انجام فعالیت در زمان مشخص ۲- دریافت مزد در قبال ساعات کار ۳- وجود فاصله با محل زندگی است (ملاحمدرحیمی، ۱۳۸۰، ص ۲۲)، بر این اساس مشاغل خانگی که متضمن خروج از منزل و صرف ساعات اختصاصی نیستند مد نظر این مقاله قرار ندارند، بلکه مصادیق مد نظر بیشتر با مشاغل استخدامی اعم از دولتی و خصوصی انطباق دارند.

۳-۱-۲. ظرفیت‌سنجی پدیده «اشتغال زنان» برای به کارگیری در تمدن نوین اسلامی

در این مرحله لازم است با نگاهی موشکافانه پدیده مورد نظر را از جهت اینکه یک ظرفیت تمدنی محسوب می‌شود یا خیر بررسی نماییم. در پژوهش نمونه این ارزیابی نسبت به پدیده اشتغال زنان اتفاق می‌افتد و پاسخی به این پرسش است که آیا پدیده اشتغال زنان در تمدن نوین اسلامی، یک ظرفیت تمدنی نافع است؟ مثبت یا منفی بودن ظرفیت یک پدیده را می‌توان از کیفیت آثار و پیامدهای آن سنجید. تردیدی نیست که اشتغال زنان یک ظرفیت تمدنی دو سویه است به این معنا که هم می‌تواند به صورت کلی و یا از برخی جهات همسو با اهداف تمدن نوین اسلامی ظرفیتی نافع باشد و هم این قابلیت را دارد که دست کم در برخی جهات در جهت مخالف اهداف تمدن نوین اسلامی قرار گرفته، مضر و چالش‌آفرین باشد. این پدیده از آن جهت که می‌تواند با حفظ هنجارهای الهی، منجر به رفع نیازهای جامعه اسلامی و پیشبرد اهداف متعالی آن در سه سطح اجتماعی مانند افزایش حضور فعال زنان، بهره‌مندی از استعدادها و توانمندی‌های خاص آن‌ها، رفع نیاز جامعه در مشاغلی که به دلایل مبنایی صرفاً از عهده زنان برمی‌آید، ارتقاء سطح فرهنگی جامعه، خانوادگی مانند افزایش توان رفاهی خانواده، توانمندسازی بیشتر فرزندان و فردی مانند رشد شخصیتی، افزایش توان مدیریتی و شکوفایی استعدادها باشد (سیاح، ۱۳۹۷، صص ۳۷-۳۵) ظرفیتی همسو با تمدن نوین اسلامی است و از آن جهت که ممکن است منجر به شکسته شدن هنجارهای الهی، اختلاط غیرضروری زنان و مردان، افزایش

فساد، افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ باروری، تضعیف نهاد مقدس خانواده، آثار تربیتی سو، بر فرزندان، تقویت فردگرایی، تحمیل فشارهای غیر موظف به زنان گردد (سیاح، ۱۳۹۷، صص ۳۷-۳۵)، ظرفیتی است که قابلیت تقابل با تمدن نوین اسلامی و اهداف آن را داراست. تحقق تمدن نوین اسلامی، به مهندسی ترمیمی پدیده‌هایی با ظرفیت دو سویه نیازمندتر است، هر اندازه که بتوان با مهندسی ترمیمی در سطح طراحی و تحقق الگوها و ساختارها به حذف نقاط غیرمنطبق و افزایش نقاط همسو و منطبق با وضعیت مطلوب پدیده‌هایی اینچنینی فائق آمد ظرفیت پدیده در جهت تقویت و در جهت مخالف تضعیف گشته، پدیده بیشتر و بیشتر در خدمت تحقق تمدن نوین اسلامی قرار خواهد گرفت.

۳-۱-۳. نسبت سنجی پدیده اشتغال زنان با تمدن اسلامی

در نسبت سنجی، نسبت مختصات نظری (تعریف) پدیده را در ساختارهای نظری دین بررسی می‌نماییم. پیرامون پژوهش نمونه، مصادیق اشتغال زنان با تعریف پیشگفت غالباً تحت عناوین فقهی عقود مانند اجاره نفس و عمل، جعاله و یا بیع قرار می‌گیرند. حکم اولی عقود و مصادیق آن در اسلام اباحه است (نجفی کاشف الغطاء، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴) و دلیل شرعی مبنی بر اختصاص آن‌ها به مردان وجود ندارد، بلکه بنا بر ادله شرعی زن عاقل بالغ رشید، اهلیت انعقاد قرارداد دارد (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۵۱)، از این رو انواع عقود صحیح برای زنان مجاز است (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۶۲) و زن می‌تواند مباشرتاً نسبت به این امور اقدام نماید (شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۳۴). بنابراین مختصات نظری اشتغال زنان بر اساس تعریف پیشگفت، تماماً داخل در تعریف فقهی عقود در اسلام است و از این رو نسبت این پدیده به ساختارهای نظری دین در تمدن اسلامی خاص مطلق است. پدیده‌ای که به طور مطلق داخل در ساختارهای نظری دین است، از منظر دانش فقه که وظیفه سنجش مشروعیت پدیده‌ها را به عهده دارد، مشروع است. از همین رو هیچ یک از فقه‌های معاصر حکم به حرمت اشتغال زنان با تعریف پیشگفت نداده اند؛ بنابراین پدیده اشتغال زنان فی حد ذاته و صرف نظر از عوارض، پدیده‌ای داخل در تمدن

اسلامی و مشروع است، بنابراین صلاحیت ورود به رویکرد ترمیمی در مهندسی تمدن نوین اسلامی را داراست.

۳-۱-۴. امکان‌سنجی تعالی پدیده اشتغال زنان

تردیدی نیست که الگوی فعلی اشتغال زنان نه به لحاظ ساختار و نه به لحاظ رفتار کنشگران، الگوی آرمانی اشتغال زنان نیست، بسیاری از پیامدهای منفی اشتغال زنان در جامعه اسلامی محصول همین عدم تطابق وضع موجود با وضع مطلوب و آرمانی است. قوانین کار اعم از تسهیلات و قوانین حمایتی از زن و خانواده، طول ساعات شغلی، استانداردهای اسلامی محیط کار، توانمندسازی زنان شاغل، از جمله نقاط نیازمند مهندسی ترمیمی و ظرفیت‌های تعالی بخشی در بعد ساختاری هستند که متوجه سیاست‌گذاران کلان در سطح حکومت می‌گردند و مدیریت خود اعم از خودآگاهی، خودجهت دهی، خودتنظیمی، خودتعدیلی، خودارزیابی، خودافزایی، مدیریت جسم، روان، زمان و توان، مدیریت تعارضات کار=خانواده، مدیریت نقش‌های خانوادگی اعم از مادری و همسری، حفظ ساختار مطلوب خانواده طراز تمدنی، مدیریت نقش شغلی اعم از مدیریت ارتباطات، مدیریت رفتار، مدیریت گفتار، مدیریت ظاهر و... از جمله ظرفیت‌های تعالی بخشی در بعد الگوهای رفتاری سبکی کنشگران (زنان شاغل) محسوب می‌شوند.

در پایان گام نخست، پدیده اشتغال زنان پدیده‌ای واجد صلاحیت ورود به رویکرد ترمیمی در مهندسی تمدن نوین اسلامی را شناخته می‌گردد و در گام دوم وارد فرایند مهندسی ترمیمی می‌گردد.

۳-۲. گام دوم، ترسیم واقع‌گرایانه مدل موجود پدیده

پس از احراز صلاحیت پدیده جهت ورود به فرایند مهندسی ترمیمی، نوبت به شناسایی دقیق و واقع‌بینانه مختصات مدل موجود پدیده، شناخت نقاط منطبق و غیرمنطبق با دین و زمینه‌های نیازمند ترمیم می‌رسد. اقتضای واقع‌بینی آن است که مسائل را بنا به واقعی که دارند یا می‌توانند داشته باشند مورد بحث قرار دهیم و چنین بحثی مستلزم آغاز آن با نگاهی واقع‌بینانه و جامع‌نگر است (دادجو، ۱۳۹۸، ص ۹۴). و این مهم، جز با ورود ضابطه-

مند محقق به میدان واقعی پدیده میسر نمی‌گردد. همانطور که پیش‌ازاین عنوان شد، این مقاله مراحل مهندسی ترمیمی را در بعد طراحی الگوهای رفتاری خاص کنشگران پدیده نمونه (سبک زندگی زنان شاغل مسلمان) دنبال می‌کند و ازاین‌رو در گام شناخت مختصات مدل موجود پدیده، صرفاً به ترسیم مدل موجود این بعد می‌پردازد و ترمیم بعد ساختاری را به پژوهش‌های آتی موکول می‌نماید.

در میان روش‌های مختلف رایج برای ادراک دقیق مدل موجود، محقق در پژوهش نمونه، روش تحقیق «داده بنیاد (Grounded theory)» را به جهت برخورداری از مزایایی از قبیل کیفی بودن، انعطاف، نامحدود بودن داده‌ها به لحاظ کمی و نوعی، امکان گردآوری توأم و تلفیق داده‌های میدانی و اسنادی، امکان گردآوری داده‌ها با روش‌های گوناگون، قابلیت تغییر در برخی مراحل یا ترکیب با روش‌های دیگر به ذائقه محقق، برای ادراک دقیق از وضع موجود برگزیده است. نظریه داده‌بنیاد به عنوان روش، نوعی تحقیق در عرصه است که پدیده‌ها را در موقعیت طبیعی آن‌ها بررسی می‌کند. هدف اصلی در این روش، بررسی عمیق اعمال، رفتارها، عقاید و طرز فکرهای افراد و گروه‌ها و افراد به همان نحوی است که در زندگی واقعی آن‌ها روی می‌دهد (۱) (ادیب حاج باقری، ص ۱۷). به منظور دستیابی به مدل سبکی موجود پدیده، لازم است طی این گام دو مرحله نمونه‌گیری از میدان واقعی و تحلیل داده‌ها را به شرح زیر انجام داد.

۳-۲-۱. ورود به میدان واقعی پدیده و گردآوری داده‌ها

در این مرحله، محقق با ورود ضابطه‌مند به میدان واقعی پدیده، درصدد ترسیم مدل فعلی آن است. ویژگی‌های روش تحقیق در این مرحله عبارتند از:

ماهیت داده‌ها: هر چیزی که بتواند در قالب کدهای متنی درآمده و تبیین‌کننده بخشی از وضع موجود باشد داده‌ای بالقوه است. پس هر داده با داشتن دو شرط قابل استفاده است، اول آنکه بیانگر زاویه‌ای از سبک زندگی منظور باشد و دوم آنکه قابلیت تبدیل شدن به متن را داشته باشد. داده‌های مورد استفاده در این روش ممکن است کمی، کیفی، یا ترکیبی از هر دو باشند (Glaser, 1998, p8).

منابع: هر منبعی که به نحوی با سبک زندگی مورد پژوهش ارتباط دارد از منابع گردآوری داده‌هاست. از جمله مشاهدات محقق، فیلم‌ها، صفحات مجازی، کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌های خبری، کنشگران و افرادی که به‌نوعی با سبک زندگی منظور در ارتباطند. به‌عنوان مثال در ترسیم سبک زندگی موجود زن شاغل، زنان شاغل، همسران و فرزندان آنان، خانواده و همکاران، مشاهدات محقق، کتاب‌ها، فیلم‌ها و... منابع گردآوری داده‌ها هستند.

ابزار و روش گردآوری داده‌ها: روند جمع‌آوری داده‌ها کاملاً منعطف است. ثبت مشاهدات، مصاحبه با روش‌های گوناگون اعم از مصاحبه فردی، مصاحبه با گروه کانونی، مصاحبه با گروه نخبگان، تهیه پرسشنامه و... بررسی اسناد موجود و کتاب‌ها، روزنامه‌ها، فیلم‌ها... از روش‌های گردآوری داده‌ها هستند. در پژوهش نمونه داده‌ها از طریق توزیع پرسشنامه محقق ساخته نیمه ساختاریافته و تکمیل آن توسط ۶۰ زن که در مشاغل گوناگونی شاغل به کار هستند و توزیع پرسشنامه محقق ساخته نیمه ساختاریافته و تکمیل آن توسط ۱۷ مرد که همسران آنان شاغل هستند، مصاحبه عمیق با ۱۰ زن شاغل و مصاحبه عمیق با ۲ مرد که همسران آنان شاغل هستند، مشاهدات نگارندگان و نیز تجربه زیسته نگارندگان، اخذ گردیده است.

حجم نمونه‌ها: از آنجاکه نمونه‌گیری در این روش تئوریک است نه آماری، در تعداد نمونه‌های پژوهش هیچ محدودیتی وجود ندارد.

جایگاه پیش‌فرض‌های محقق: اگرچه هدف نهایی محقق ارائه مدل سبک زندگی اسلامی مهندسی شده طراز تمدنی پدیده منظور است، اما در مرحله ترسیم مدل موجود لازم است محقق اجازه دهد داده‌ها به‌عنوان اجزای اصلی سبک زندگی موجود، آزادانه مدل را بسازند، از این رو مطابق با نخستین قاعده دورکیم در تحلیل جامعه‌شناختی پدیده‌ها، لازم است در این مرحله پدیده را همچون شیء تلقی نموده (کنت، ۱۳۸۸، ص ۹۰) و از تأثیر پارادایمی بر روند شکل‌گیری آن خودداری کند، هرچند محقق مختار است به‌منظور توسعه و جامعیت سبک موجود هر جا احساس نیاز کرد جهت‌گیری خاصی را در روند جمع‌آوری

داده‌ها در پی گیرد (نمونه‌گیری نظری: theoretical sampling)، به‌عنوان مثال از آنجاکه سبک زندگی محصول باورها و ارزش‌هاست لازم است محقق در ترسیم سبک زندگی موجود، در مصاحبه‌ها یا پرسشنامه‌ها بخشی از توجه خود را به ساحت باورها و ارزش‌ها که مبنای شکل‌گیری رفتارهای سبکی هستند مصروف نماید.

کنترل داده‌ها: محقق در ترسیم سبک زندگی موجود نیازمند کنترل داده‌ها به‌منظور حقیقت‌سنجی و یا ارزش‌گذاری آن‌ها بر اساس پارادایم اسلامی نیست، بلکه در این مرحله می‌کوشد تا حد ممکن داده‌های واقعی را که روایت‌کننده وضع موجود هستند، گردآوری کند. هر چه روایی سبک زندگی موجود بالاتر باشد پایایی مدل سبک زندگی مطلوب بیشتر است.

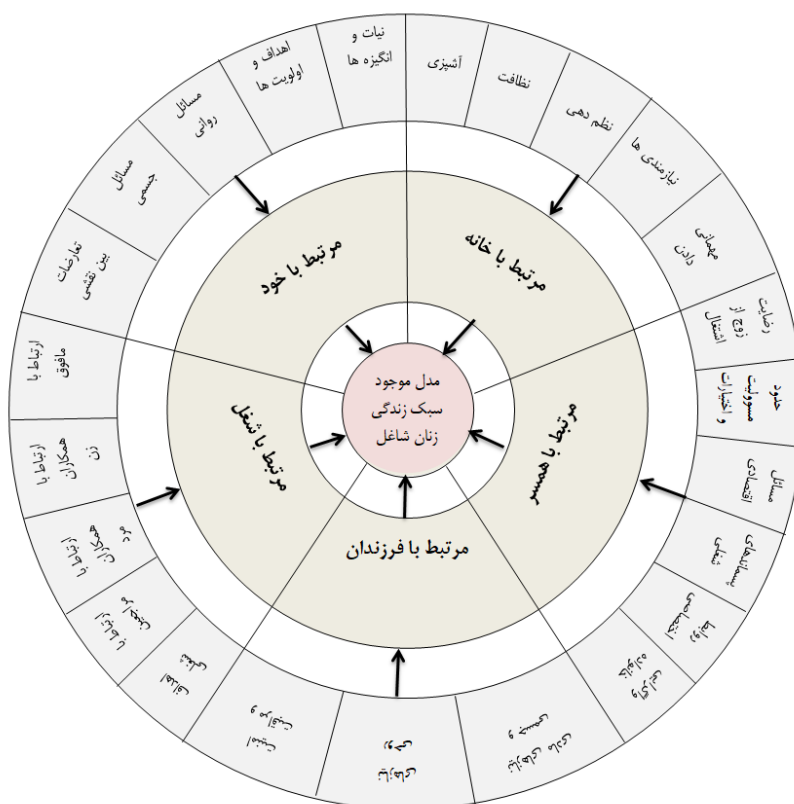
۳-۲-۲. تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری باز و ترسیم مدل اولیه

تحلیل داده‌ها دست‌کم مشتمل بر ۳ مرحله است، در اولین مرحله، عملیات تحلیل داده‌ها آغاز می‌گردد، این مرحله «فرایند کدگذاری: coding process» نامیده می‌شود و از آن‌رو به آن کدگذاری باز می‌گویند، محقق در این مرحله داده‌ها را باز می‌کند تا از دل آن‌ها کدهای محتوایی را بیرون بکشد (Strauss & Corbin, 1990, p272). در اولین مرحله از کدگذاری باز، ضمن تحلیل داده‌ها نکات کلیدی هر داده احصاء شده و در قالب یک عبارت کوتاه یا کلمه که توصیف‌کننده تک‌تک عبارات یا کلمات داده منظور است درآمده که به آن «کد» گفته می‌شود. در پژوهش نمونه از میان داده‌های نمونه‌گیری شده، مجموعاً ۲۷۴ کد استخراج گردید.

در مرحله دوم کدهای حاصله تحلیل و مقایسه شده و هر دسته از کدها که اشعار به موضوعی مشترک دارند گروه‌بندی شده و عنوان یک «مفهوم» می‌گیرند. مفهوم، در حقیقت داده برچسب خورده است. هر مفهوم ممکن است تنها از یک داده یا تعداد زیادی از داده‌ها ایجاد شود. در این گام «پیشامدها، وقایع و اتفاقات، به‌عنوان نشانه‌های بالقوه‌ی پدیده در نظر گرفته شده و بدین‌سان برچسب مفهومی دریافت می‌کنند» (Strauss & Corbin, 1990, p72).

مرحله سوم ساخت مقوله‌ها یا مؤلفه‌هاست. هنگام بررسی مفاهیم مشخص می‌شود در بین هرچند مفهوم یک مفهوم انتزاعی‌تر و اعم است، یا اینکه چند مفهوم در یک بعد کلان‌تر با هم شریک هستند. محقق در این مرحله همان بُعد را به عنوان مقوله در سطحی بالاتر در نظر می‌گیرد. در تعداد طبقات مدل محدودیتی وجود ندارد، می‌توان سطحی بالاتر با عنوان مؤلفه‌ها یا ابعاد در نظر گرفت. مفاهیم می‌توانند به اصلی و فرعی تبدیل شوند، مقوله‌ها می‌توانند خاص، اخص یا عام باشند (Strauss & Corbin, 1990, p72).

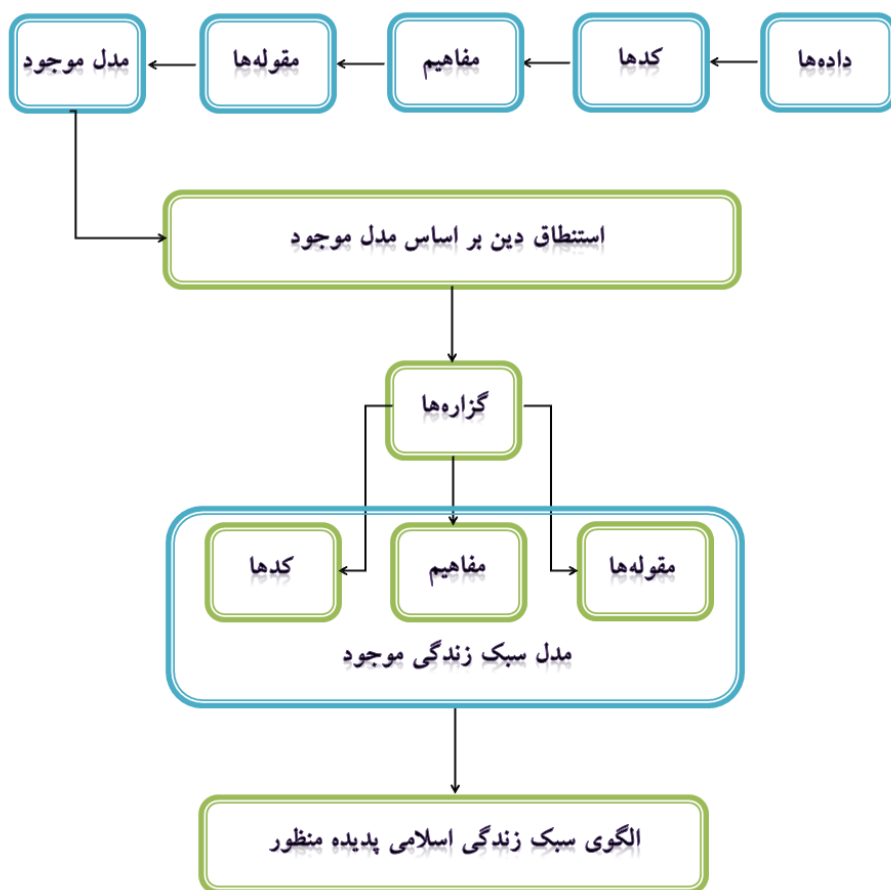
پس از طی این سه مرحله و استخراج کلیه ابعاد، مقولات و مفاهیم از دل کدهای اولیه، نمایی کلی از سبک زندگی موجود پدیدار می‌گردد. شکل ۱ مدل سبک زندگی موجود پژوهش نمونه، که بیانگر ابعاد ۵ گانه و مقولات ذیل هر یک از آن‌هاست را نشان می‌دهد:



شکل ۱. مدل سبک زندگی موجود در پژوهش نمونه

۳-۳. گام سوم: ترمیم مدل موجود پدیده

پس از آنکه مدلی جامع از سبک زندگی موجود به دست آمد مهندسی ترمیمی پدیده آغاز می‌گردد و نوبت به دمیدن روح سبک زندگی اسلامی در کالبد پدیده می‌رسد. حالا محقق می‌تواند مدل واقعی موجود را به دین عرضه کند و با رویکردی استنتاجی و اکتشافی داده‌های دینی را در قالب گزاره‌های سبک زندگی استخراج نموده و در تمام سطوح مدل موجود بدماند تا آن را جهت به کارگیری در تحقق تمدن نوین اصلاح و ترمیم نماید. این مرحله به لحاظ جهت‌گیری با روش «کشف نظریه‌های بنیادین» در تفسیر موضوعی واقع‌گرای شهید صدر از قرآن کریم تشابه دارد، رویکرد وی در روش خود مبتنی بر دو اصل کلی اخذ موضوع تفسیر از زندگی واقعی و سپس ارجاع آن به متن قرآن است تا از دل آن، نظریه قرآنی خود را استخراج سازد (صدر، ۱۳۹۰، صص ۳۳-۳۶) روش کار در این مرحله برعکس مرحله قبل است، در آنجا داده‌ها به روش استقرایی از جزء به کل جمع گردیده و نهایتاً مدل سبک زندگی موجود استخراج گردید، در اینجا محقق از بالاترین سطح شروع می‌کند تا مقوله‌ها و سپس مفاهیم و حتی داده‌های خرد را در آنچه هست با آنچه باید باشد تطبیق دهد. لازمه این حرکت بازگشتی این است که محقق بر اساس مدل موجود، مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی را استخراج نموده و مضامین مرتبط با آن را از دریای منابع اسلامی صید نماید. در این بخش محقق با انواع روش‌های مرسوم در مطالعات دینی، در دل روش پایه اقدام به اخذ گزاره‌های سبکی دینی می‌نماید. هر یک از ابعاد، مؤلفه‌ها، مقوله‌ها و حتی کدها به حسب نیاز، کلیدواژه‌هایی هستند که محقق بر اساس آن در منابع جستجو نموده و به استنتاج دین می‌پردازد تا بتواند راهکار و رویکرد متناسب را از دین استخراج نماید. هرگاه یک مقوله را بر اساس سبک زندگی اسلامی سامان داد به سراغ مقوله دیگر می‌رود. اگرچه گزاره‌ها در این مرحله از منابع گوناگون جمع‌آوری می‌گردند اما انتخاب گزاره‌ها کاملاً گزینشی و درون پارادایمی است. نمودار ۴، سیر ترمیم مدل موجود پدیده را نشان می‌دهد:



نمودار ۴. سیر ترمیم مدل موجود پدیده

ماهیت داده‌ها: در این مرحله هر گزاره‌ای که قابلیت پذیرش وصف دینی داشته و گزاره سبکی محسوب شود، داده محسوب گردیده در صورت عبور از صافی کنترل، قابل استفاده است. از آنجاکه سبک زندگی ناظر به رفتارهاست، گزاره‌های دینی کاربردی در این مدل غالباً گزاره‌های «انشایی: Normative» یا توصیه‌ای هستند؛ هرچند که گزاره‌های «اخباری: Discriptive» یا وصفی دینی نیز در موارد متعددی می‌توانند قابل بهره‌برداری باشند. به‌عنوان مثال در پژوهش نمونه گزاره «فانّ المرأة ریحانه لیست بقهرمانه»^۱ (تمیمی آمدی

^۱. «زن گل است و نه کارپرداز».

۱۳۶۶، ص ۷۵۹) از جمله گزاره‌های توصیفی است که می‌توان از دل آن رفتارهای سبکی مرتبط با مفهوم «وسع‌شناسی» از زیر مقوله «خودآگاهی» و در ذیل مقوله «مدیریت نقش بندگی» استخراج نمود. بخشی از داده‌ها برگرفته از قرآن و سنت است. بخشی از علم فقه، حقوق، اخلاق؛ بخشی از تاریخ و زندگی‌نامه بزرگان و بخشی دیگر از قطعیات تجربی بشر در سایر علوم اخذ می‌گردد. گزاره‌های تجربی بشری اگرچه جزئی از متون دینی نیستند، اما از آن‌رو که به تفسیر طبیعت که فعل خداوند متعال است می‌پردازند، چنانچه مطابق با واقع باشند مورد تأیید دین بوده (۲) (جوادی آملی، ۱۳۸۶، صص ۱۴۴-۱۴۳) می‌توان از آن‌ها در توسعه و تکمیل مدل سبک زندگی اسلامی منظور بهره‌مند شد.

منابع: هر منبعی که مشتمل بر گزاره‌های سبکی مراد یا مورد تأیید دین اسلام باشد، اعم از قرآن کریم، جوامع روایی، ادعیه، منابع فقهی، منابع اخلاقی- تربیتی، منابع عرفانی و نیز علوم و معارف بشری اعم از روانشناسی، جامعه‌شناسی، پزشکی و.... به عنوان مثال در مفهوم «جایگاه رضایت همسر»، از زیر مقوله «حفظ ساختار قدرت خانواده» در مقوله «مدیریت نقش همسری» دانش‌های فقه و حقوق و روان‌شناسی و ارتباطات است.

روش گردآوری داده‌ها: شیوه اصلی گردآوری داده‌ها در این مرحله جستجوی اسنادی با روش کتابخانه‌ای در منابع است، هرچند می‌توان به فراخور مفهوم مورد جستجو، از روش‌های شبه مصاحبه درون پارادایمی مانند استفتاء و یا گفتگو با خبرگان نیز بهره‌مند گردید؛ بنابراین به فراخور نیاز، محدودیتی برای روش گردآوری داده‌ها وجود ندارد، برای جستجو در منابع و متون اسلامی، در میان مفسرین و فقها، دو روش متداول است، روش لغت کاوی و روش معنا کاوی. روش اول آن است که آیات و روایاتی که در متن آن‌ها، به لغت موردنظر یا مشتقات آن، اشاره شده استخراج شود و مورد استفاده قرار گیرد. در این صورت کدها، مقوله‌ها و مفاهیم خود کلیدواژه‌های اصلی جستجو در منابع هستند. در روش دوم اما محقق خود را محدود به لغت و کلمه خاصی نمی‌کند بلکه محتوای سند، برای وی رجحان دارد. هرچند ممکن است در متن سند هیچ اشاره‌ای، به واژه موردنظر محقق نشده باشد ولی پژوهشگر از قرائن و شواهد دیگر دریابد که محتوا بر مفهوم

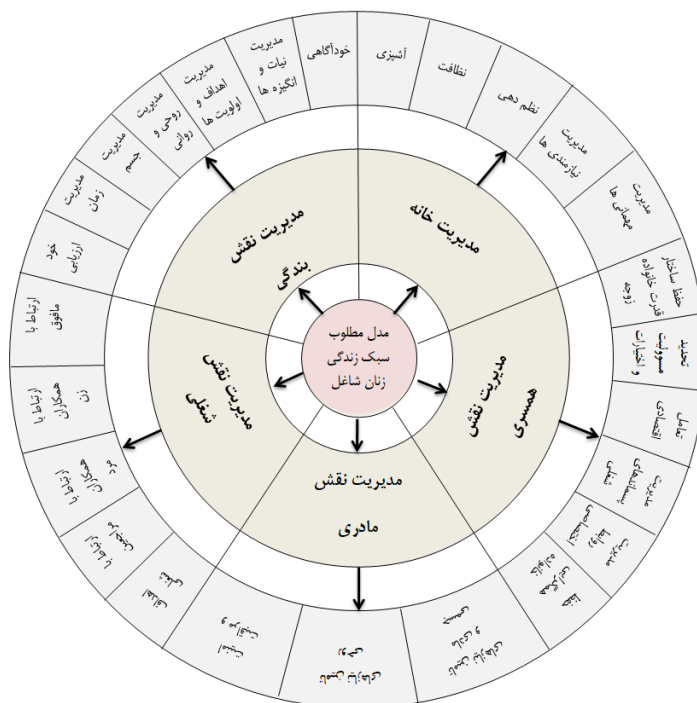
موردتحقیق، اشاره دارد (مهرابی، ۱۳۹۰، ص ۱۷). روش دوم اگرچه به خبرگی بالا نیاز دارد اما برای مطالعات سبک زندگی اسلامی ازهرجهت مناسب‌تر است. به‌عنوان‌مثال، در پژوهش نمونه در مقوله «مدیریت زمان» خود کلمه «زمان» یک کلیدواژه است که می‌توان بر اساس آن به لغت کاوی در منابع پرداخت، اما گزاره «بهره‌برداری از زمان طلایی بین الطلوعین» که در دین اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است در این روش جستجو، یافت نمی‌گردد و نیازمند خبرگی محقق است. همین رویکرد در سایر منابع نیز وجود دارد پس بر محقق لازم است به جستجو بر اساس کلیدواژه‌های مستخرج از مدل سبک زندگی موجود کفایت ننموده و از هر طریق ممکن به استخراج گزاره‌هایی بپردازد که مدل سبک زندگی مطلوب را توسعه و تعمیق می‌دهند.

جایگاه پیش‌فرض‌های محقق: برخلاف مرحله ترسیم مدل موجود، تمام اجزای روش پیشنهادی در این مرحله کاملاً درون پارادایمی و متأثر از مبانی اندیشه اسلامی است، البته در این مرحله نیز کماکان بر محقق لازم است از تحمیل پیش‌فرض‌های شخصی خود بر اندیشه دینی در همه ابعاد بپرهیزد.

کنترل داده‌ها: اگرچه در مرحله ترسیم مدل موجود، نیازی به کنترل داده‌ها و اعتبارسنجی آنان و یا ارزش‌گذاری پارادایمی داده‌ها نبود، در این مرحله اما کنترل داده‌ها اهمیت بالایی دارد و نیازمند تدقیق مجتهدانه محقق است. ازآنجاکه گزاره‌های سبک زندگی غالباً از سنخ معارف شناختاری نیستند به اعتبار دلالت مطابقی، صدق و کذب‌بردار نیستند بلکه به اعتبار منبع و منشأ صدور و نیز هدف و غایت، قابل‌کنترل و تصدیق و تکذیب هستند، هرچند تطابق با واقع نیز قیدی اساسی است که در تصدیق و تکذیب اعتبار صدور این گزاره‌ها دخیل است. از سوی دیگر اعتبار گزاره‌هایی که از منابع دینی استخراج می‌شوند الزاماً هم‌معنی استناد گزاره‌ها نیست زیرا بهره‌گیری از گزاره‌های روایی ظاهراً غیر مستند (که دارای اسناد ضعیفی هستند)، بنا به رویکرد تصحیح حدیث (۳)، در صورت برخوردار از مضامین اخلاقی غنی و سودمند - به این دلیل که بخش عظیمی از متون اسلامی را دربرمی‌گیرند و نقش مؤثری در غنا بخشی به سبک زندگی دارند - به نظر بدون اشکال است. نکته

دیگر اینکه داده‌هایی قابلیت استفاده در مطالعات سبک زندگی اسلامی را دارند که با سبک زندگی مطلوب هم‌راستا باشند، به‌عنوان مثال در سبک زندگی زن شاغل گزاره‌های سبکی «زن مخدره» کاربردی نبوده و لازم است محقق به دنبال گزاره‌های مناسب سبک زندگی «زن برزه» باشد. سایر داده‌ها که از علوم بشری نشأت می‌گیرند از دو منظر مفید و کارآمد بودن و اعتبار یابی در ترازوی پارادایم دینی کنترل گردیده و در صورت دارا بودن هر دو شرط به‌عنوان گزاره انتخاب می‌گردند. به‌عنوان مثال «ماتریس آیزنهاور: eisenhower matrix» یک گزاره مفید و کاربردی بشری در مقوله «مدیریت زمان» است که طی بررسی در ترازوی پارادایم اسلامی منعی در استفاده از آن به‌عنوان گزاره سبک زندگی اسلامی دیده نمی‌شود از این‌رو قابلیت طرح در مدل سبک زندگی مطلوب را داراست. بر این اساس دین ملاک و داور نهایی گزاره‌های تجربی خواهد بود و گزاره‌های علم تجربی که بر اساس تفکر اومانیستی ایجاد گردیده‌اند از این صافی عبور نکرده و وارد حوزه سبک زندگی اسلامی نمی‌شوند.

حجم نمونه‌گیری: از آنجاکه ترسیم مدل موجود رویکردی استقرایی داشت نمی‌توان ادعا کرد که نمونه‌گیری در آن به‌صورت تام اتفاق می‌افتد چراکه دسترسی به جامعه آماری و نمونه‌گیری تام برای محقق امری غیرممکن است، اما در این مرحله باید نمونه‌گیری تام باشد و محقق برای هر مقوله، مفهوم و حتی کد در مدل سبک زندگی موجود، بازخوردی که مشتمل بر تائید، رد، تقویت، تعیین حدود، ارائه راهکار یا... باشد بیابد و در مدل سبک زندگی مطلوب بیاورد. به‌عنوان مثال در مفهوم اهداف شغلی سبک زندگی موجود پژوهش نمونه، زنان شاغل در پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌ها، اهداف شغلی متفاوتی را عنوان نمودند، که در مدل سبک زندگی موجود، در ذیل مفهوم «اهداف شغلی» و در مقوله «مرتبط با شغل» قرار گرفته‌اند. در این مرحله محقق با عرضه تام کلیه اجزاء مفهوم، به منابع دینی برای هر یک از کدها بازخوردی سبکی استخراج نموده است. شکل ۲ نمایان‌گر این مثال است



شکل ۳. مدل مهندسی شده سبک زندگی اسلامی زن شاغل

۴-۳. اعتبارسنجی مدل ترمیمی

به هر ترتیب الگوی سبکی مستخرج، حاصل کار بشری است و نمی‌توان با قطعیت از انتساب واقعی همه محتوای آن به دین سخن گفت، ازاین‌رو می‌توان از اجماع نخبگانی برای پالایش و اصلاح و درنهایت به تأیید رساندن آن بهره برد. اجماع متخصصان، به‌عنوان امری که در فقه شیعی سابقه و جایگاهی عمیق دارد در روش‌های تحقیق نوین نیز کسب جایگاه نموده، ازاین‌رو در مرحله پایانی می‌توان از روش دلفی به‌عنوان یک ابزار حمایت‌کننده بهره‌مند شد. در این مرحله می‌توان مدل مستخرج را جهت مطالعه و وجدان ایرادات احتمالی به نظر نخبگان متخصص سبک منظور رساند تا از جهات ذیل واکاوی گردد:

- آیا مفاهیم به‌خوبی تولید شده‌اند؟
- آیا مفاهیم به‌صورت منظم به هم مرتبط شده‌اند؟

- آیا مقوله‌ها و مفاهیم در مدل موجود، برگردان دقیقی از سبک زندگی موجودند؟
- آیا مقوله‌ها و مفاهیم الگوی ترمیمی، غنای دینی دارند؟
- آیا مدل ترمیمی در عمل امکان اجرا دارد؟
- آیا عمل مطابق مدل ترمیمی، درنهایت منجر به نیل به هدف سبک زندگی اسلامی و تحقق تمدن نوین اسلامی در محدوده خود می‌گردد؟
- آیا مدل ترمیم شده قابلیت معرفی به عنوان الگوی برتر را در سطح تمدنی دارد؟

نتیجه‌گیری

نگارندگان با ارائه این مقاله درصدد معرفی فرایند ترمیم پدیده‌های اجتماعی در مهندسی تمدن نوین اسلامی هستند. این رویکرد در مواجهه با پدیده‌های اجتماعی در قالب ۴ گام اساسی پایه‌گذاری گردیده، نمودار ۵ سیر مواجهه با پدیده‌ها و مراحل مهندسی ترمیمی آن-ها را در چارچوب طراحی الگوهای رفتاری کنشگران پدیده (سبک زندگی اسلامی خاص کنشگران) نمایش می‌دهد:



نمودار ۵. مراحل مواجهه با پدیده‌ها در فرایند مهندسی ترمیمی (طراحی الگوهای ناظر به کنشگران) از آنجا که برخی از واقعیت‌های موجود هر پدیده مربوط به کنشگران و برخی دیگر مربوط به ساختارهای اجتماعی است، برخی ابعاد مدل مهندسی شده، از قبیل الگوهای رفتاری درونی و بیرونی ناظر به کنشگران و برخی ابعاد آن از قبیل ساختارسازی، ناظر به سیاست‌گذاران در سطح کلان است، از این رو علاوه بر حرکت ارادی کنشگران به سمت الگوی مهندسی شده، ورود نظریه به دستگاه سیاست‌گذاری و سپس تطابق عملی رویکردهای حکومتی با نظریه در ساختارسازی، در کنار کنش فرهنگی همسو توسط نهادهای متولی برای زمینه‌سازی‌گذار از سبک موجود به سبک مطلوب تمدنی ضروری است. همچنین از آنجا که تمدن‌سازی و تغییر سبک زندگی عملیاتی تدریجی و زمان‌بر است، لازم است فرایندگذار از سبک موجود پدیده به سبک مطلوب و مهندسی شده، تدریجی و طی چند مرحله صورت پذیرد.

یادداشت‌ها

۱. خاستگاه این روش جامعه‌شناسی و بستر آن در حوزه پزشکی است و اولین بار در سال ۱۹۶۷ توسط دو جامعه‌شناس آمریکایی با نام‌های بارنی گلیزر و انسلم استراوس در کتابی با عنوان «اکتشاف نظریه‌سازی داده بنیاد» رسماً رونمایی شد. آنان از سال ۱۹۶۰ تحقیقات خود را با همین روش بر روی بیماران در آستانه مرگ آغاز کرده و در ادامه با هدف نظم دهی به تحقیقات کیفی و ایجاد نظریه از طریق داده‌های نظام‌مند، موفق شدند این روش را به جامعه علمی معرفی کنند. پدیدآورندگان این روش، هدف خود را از معرفی آن، کشف تئوری بر اساس گردآوری نظام‌مند داده‌ها در پژوهش‌های علوم اجتماعی عنوان نموده‌اند (Glaser & Strauss, 1967, p13). هرچند که به دلیل انعطاف بالا، دایره کاربرد آن محدود به حوزه علوم اجتماعی نماند و به سایر علوم نیز گسترده شد.

۲. آیت‌الله جوادی آملی معتقد است هر علمی که منطبق بر واقع باشد، دینی نیز خواهد بود و قید اسلامی یا دینی برای علم، قید توضیحی است نه احترازی، به گفته ایشان: «علم اگر علم باشد، نه وهم و خیال و فرضیه محض، هرگز غیر اسلامی نمی‌شود. علمی که اوراق کتاب تکوین الهی را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی‌دارد، به‌ناچار اسلامی و دینی است...» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، صص ۱۴۴-۱۴۳)

۳. رویکرد تصحیح به معنای صحیح شمردن مضمون روایاتی است که سند کامل و مطمئنی ندارند. گاه احادیث، سند معتبری ندارند، اما مضمون مقبول و محتوایی همخوان با سایر روایات دارند و قرینه‌های دیگری نیز آن‌ها را همراهی می‌کند. ما می‌توانیم مضمون این احادیث را معتبر بشماریم. گفتنی است که این به معنای یقین به صدور این‌گونه احادیث و حدیث دانستن هر متن بدون سند یا با سند جعلی نیست، بلکه به معنای عمل به مضمون روایاتی است که در کتب مقبول عالمان نقل شده‌اند، ولی از سند صحیح، به اصطلاح متأخران، بی‌بهره‌اند. شیخ طوسی، شیخ طبرسی، محقق حلی و ... از جمله علمای متقدمی هستند که از این رویکرد در آثار خود بهره برده‌اند.

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: دارالفکر.
- ادیب حاج باقری، محسن (۱۳۸۵)، روش تحقیق گراند تئوری، راه و روش نظریه‌پردازی در علوم انسانی و بهداشتی. تهران: بشری.
- بابایی، محمدباقر (۱۳۸۷)، نقش دانشگاه در مهندسی فرهنگی کشور، دانشگاه اسلامی سال دوازدهم، شماره ۲.
- بیرو، آلن (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، غررالحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۱)، در آمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، مشهد: انتشارات مرنديز.
- جمالی، مصطفی (۱۳۹۱)، مهندسی تمدن اسلامی و مسجد محوری، پایگاه تخصصی مساجد.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. تهران: اسراء.
- حکیم، محسن (۱۴۰۸ ق)، حقائق الاصول، قم: مکتبه بصیرتی.
- خاکی قراملکی، محمدرضا (۱۳۸۷)، مهندسی فرهنگی و نظام موضوعات، مجله نگاه حوزه، شماره ۲۳۲.
- رهدار، احمد (۱۳۹۴)، چپستی تمدن اسلامی، فصلنامه اندیشه تمدنی اسلام، دوره اول، شماره اول.
- ریتز، جورج (۱۳۷۴)، بنیان‌های جامعه‌شناختی: خاستگاه‌های ایده‌های اساسی در جامعه‌شناسی، تقی آزاد ارمکی، تهران: سیمرغ.
- دادجو، ابراهیم (۱۳۹۸)، واقع‌گرایی در مطالعات تمدن نوین اسلامی، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۲، شماره ۱.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سبحانی، محمدتقی (۱۳۸۵)، درآمدی بر جریان شناسی اندیشه اجتماعی دینی در ایران

- معاصر، نشریه نقد و نظر، دوره ۴۳، شماره ۱۳، صفحه ۲۷۹-۳۱۱.
- سیاح، مونس (۱۳۹۷)، *نگرش سیستمی به اشتغال زنان*، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده.
- صادقی، ابراهیم و خاکی قراملکی، محمدرضا (۱۳۹۸)، *امکان‌سنجی مهندسی تمدن نوین اسلامی از منظر مدل ارتباطی دین و علم مدرن در اندیشه علامه جوادی آملی*، *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره ۲، شماره ۳.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۰)، *المدرسه القرآنیه (موسوعه شهید صدر، ج ۱۹)*. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید صدر.
- فاضلی، مهسا (۱۳۸۴)، *مواجهه قرآن با فرهنگ‌های عصر نزول، پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۴۲ و ۴۳.
- کنت، تامپسن (۱۳۸۸)، *امیل دورکیم*، مترجم: شهناز مسمی پرست، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی*، تهران: نشر نی.
- مشکانی سبزواری، عباسعلی (۱۳۹۰)، *درآمدی بر ظرفیت‌های تمدن‌سازی فقه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، شماره ۳، صص ۱۴۸-۱۴۵.
- ملا احمد رحیمی، هما (۱۳۸۰)، *بررسی پیامدهای اشتغال برای زنان و فرزند اول آنها*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی: دانشگاه شیراز.
- مهرابی، امیر حمزه و همکاران (۱۳۹۰)، *معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی (ارائه یک نمونه)*. مدیریت فرهنگ‌سازمانی، سال نهم، شماره ۲۳، صص ۳۰-۵.
- Glaser, B. (1998). *Doing grounded theory: Issues and discussions*, Sociology Press. Mill Valley, CA.
- Glaser, B. & Strauss, A. (1967). *The discovery of grounded theory*, Aldine Publishing Company. Chicago.
- Strauss, A. & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*. Newbury Park, CA: Sage.